



ORIGINAL ARTICLE

Received:2022/04/12

Accepted:2022/05/14

The Role of Experience and Function of Redemption Narratives on Psychological Well-Being in Iranian Adults

Ehsan Zargar Kharazi Esfahani (Ph.D.)¹, Mohammad Reza Abedi (Ph.D.)², Fahimeh Namdarpour (Ph.D.)³

1.P.hD. student in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran.

2.Corresponding Author: Professor of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.r.abedi@edu.ui.ac.ir Tel:03137935500

3.Assistant Professor of Counseling, Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran.

Abstract

Introduction: The present study was conducted to investigate the effect of redemption narratives on generativity and consequently on psychological well-being in Iranian adults. In addition, the relationship between self-redemption and generativity with psychological well-being was examined separately.

Methods: The study population consisted of all adults aged 22-65 years who had a bachelor's degree or higher and were invited through cyberspace. Sixty six Iranian adults aged 22-65 years were selected by convenience sampling method. The instruments of this study included McAdams' life story questionnaire, Loyola Generativity Scale, and Ryff psychological well-being scale. The method of analysis was qualitative-quantitative, which qualitative analysis was thematic and quantitative analysis was Pearson correlation.

Results: The results showed that in the Iranian adult population, there was a positive and significant relationship between the scores of self-redemption and generativity, self-redemption and psychological well-being, and generativity and psychological well-being ($P < 0.01$).

Conclusion: Although there is a positive and significant relationship between self-redemption and generativity, self-redemption and psychological well-being, and generativity and psychological well-being, the Iranian adult population often does not tell their stories in the theme of redemption. They also have low score on the generativity and then they also experience low psychological well-being, resulting from cultural and historical origins.

Keywords: Psychological Well-Being, Generativity, Redemption Narratives

Conflict of interest: The authors declared that there is no conflict of interest.



This Paper Should be Cited as:

Author: Ehsan Zargar Kharazi Esfahani, Mohammad Reza Abedi, Fahimeh Namdarpour.
The Role of Experience and Function of Redemption NarrativesTolooebehdasht
Journal. 2022;21(2):41-56.[Persian]



نقش تجربه و کارکرد روایات رستگاری بخش بر بهزیستی روانشناختی در بزرگسالان

ایرانی

نویسندگان: احسان زرگر خرازی اصفهانی^۱، محمد رضا عابدی^۲، فهیمه نامدارپور^۳

۱. دانشجوی دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تلفن تماس: ۰۳۱۳۷۹۳۵۵۰۰ Email: m.r.abedi@edu.ui.ac.ir

۳. استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران.

طلوع بهداشت

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر روایات رستگاری بخش، بر مولد بودن و در نتیجه بر بهزیستی روانشناختی در بزرگسالان ایرانی انجام شد. علاوه بر این رابطه بین خود رستگاری بخش و مولد بودن با بهزیستی روانشناختی نیز بصورت جداگانه بررسی گردید.

روش بررسی: جامعه پژوهش را کلیه بزرگسالان ۲۲ سال تا ۶۵ سال که دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر بودند و از طریق فراخوان در فضای مجازی دعوت شده بود، تشکیل دادند که از بین آن ها ۶۶ بزرگسال ایرانی در دامنه سنی ۲۲-۶۵ سال به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه داستان زندگی مک آدامز، مقیاس مولد بودن لویالو مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف بود. روش تحلیل از نوع کیفی- کمی است که تحلیل کیفی بصورت تماتیک و تحلیل کمی از نوع همبستگی پیرسون می باشد.

یافته ها: یافته ها نشان داد در جمعیت بزرگسال ایرانی، بین نمرات خود رستگاری بخش و مولد بودن، خود رستگاری بخش و بهزیستی روانشناختی و مولد بودن و بهزیستی روانشناختی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد ($P < 0/01$).

نتیجه گیری: اگر چه بین خود رستگاری بخش و مولد بودن، خود رستگاری بخش و بهزیستی روانشناختی و مولد بودن و بهزیستی روانشناختی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد ولی جمعیت بزرگسال ایرانی داستان های خود را غالباً در تم رستگاری بخش تعریف نمی کنند، هم چنین آن ها در آزمون مولد بودن نیز نمرات پایینی را کسب می کنند و در نتیجه بهزیستی روانشناختی پایینی را هم تجربه می کنند، که از ریشه های فرهنگی و تاریخی نشات میگیرد.

واژه های کلیدی: بهزیستی روانشناختی، مولد بودن، روایات رستگاری بخش.

دو ماهنامه علمی پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال بیست و یکم

شماره دوم

خرداد و تیر

شماره مسلسل: ۹۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴



مقدمه

نظریه روایت به منزله نظریه ای منسجم در تحلیل شخصیت به اواخر دهه ۷۰ باز می گردد. یکی از پیشگامان در این زمینه و در عصر معاصر دن پی مک آدامز است. مک آدامز بیشتر برای تدوین نظریه زندگی درمورد هویت انسانی مشهور است، او استدلال می کند که بزرگسالان مدرن با ساختن و درونی کردن داستان های زندگی تعریف شده، زندگی خود را با احساس وحدت و هدف تأمین می کنند (۱). مک آدامز (۱۹۸۵) نظریه داستان زندگی را با بهره گیری از کار تامکینز معرفی کرد (۲). مک آدامز داستان زندگی را به عنوان حوزه ای خاص در شخصیت تعبیر نمود. او چنین فرض می کند که افراد به طور جدی در اواخر نوجوانی و آغاز بزرگسالی شروع به روایت زندگی شان می کنند، و اینکه این پروژه شخصی (روایت داستان زندگی) زندگی افراد را از طریق مفهوم فزاینده یکپارچگی و هدف، به بهترین وجه تحت تأثیر قرار می دهد (۳).

مطابق این مدل، مردم در درجه اول زندگی شان را نه به دنبال حقیقتی عینی، بلکه به منظور ساختن معنایی ذهنی و میان ذهنی برای اینکه چه کسی هستند، کجا بوده اند و به کجا می روند، روایت می کنند (۲). رویکرد روایتی بر مبنای فرضیات و قضایایی بنیادین بنا شده است؛ ۱- مردم برای معنا بخشیدن به زندگی خود داستان هایی می سازند و درونی شان می کنند ۲- این داستانهای خود زندگینامه ای دارای معنای روانشناختی و قدرت بقای کافی به عنوان گزارشات روایتی برای روایت به دیگران هستند. ۳- این گزارشات روایتی به دست پژوهشگران روانشناسی در زمینه هایی چون درونمایه های محتوا،

ویژگی های ساختاری، صفات کارکردی و دیگر طبقه های

معانی روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی قابل تحلیل اند (۴). در طول دهه گذشته، رویکردهای روایتی، بسیاری از اشکال تحقیق روانشناختی را تحت تأثیر قرار داده است. بطور مثال در حوزه شناختی، در مطالعه ماهیت و مسیرحافظه اتوبیوگرافیک و نقش آن را در تحول هویت (۶، ۵)، در حوزه تحول، بررسی ریشه های درک داستان و داستان گویی در کودکی (۷) و پیدایش طرحواره های داستان زندگی در نوجوانی (۸)؛ در روانشناسی شخصیت، کشف روابط میان داستان های زندگی، صفات شخصیت، و بهزیستی روانشناختی (۱۲-۹)، در روانشناسی اجتماعی، نقش خود در موقعیت ها و بافت های اجتماعی خاص روایت شده (۱۳)؛ در روانشناسی فرهنگی، نقش کلان روایت های جامعه در جریان ساخت خود (۱۴) و در روانشناسی بالینی و مشاوره، با نگاهی تجربی به رواندرومانی به عنوان محل اصلی تغییر داستان زندگی (۱۶، ۱۵).

هویت روایتی داستان زندگی درونی شده و در حال رشد فرد می دانند که گذشته بازسازی شده و آینده متصور فرد را ادغام و یکپارچه نموده تا به زندگی وحدت و هدف بخشد (۱۷). فرد قادر است به واسطه ویژگی خاص بخش بخش بودن حافظه اتوبیوگرافیک، داستانی در حال رشد و یکپارچه برای زندگی بسازد و آن را درونی نماید، و این همان چیزی است که روانشناسان، هویت روایی می نامند. از این دیدگاه، داستان ها تنها نمودهای هویت نیستند بلکه داستان ها خود هویت هستند. بدین معنی که چه بسا افراد نسبت به این فرآیند ناهشیار باشند اما آن ها زندگی خود را در قالب اصطلاحات داستان و خود را در



قالب نویسنده این داستان، با شخصیت ها و صحنه های مختلف می بینند (۱۸).

از طرف دیگر کلان روایات داستان های مشترک فرهنگی هستند که افکار، باورها، ارزش ها و رفتار را هدایت می کنند (۱۹، ۱۴). در اصل کلان روایات ها به ما درباره ی فرهنگ خود و اینکه چگونه یک عضو خوب از آن فرهنگ باشیم توضیح می دهند؛ آن ها بخشی از ساختار جامعه هستند. همان طور که افراد روایات فردی خود را می سازند، با این کلان روایت ها گفت و گو و مذاکره کرده و درون اندازی شان می کنند؛ این روایات موادی هستند که افراد جامعه باید برای فهم چگونگی یک زندگی خوب با آن ها سروکار داشته باشند (۲۰). مک آدامز مطالعات بسیاری در باب هویت روایتی انجام داده و به بررسی ارتباط روایت های فردی و کلان در تعامل با یکدیگر پرداخته است. در اصل وی به بررسی روش هایی می پردازد که روایت های کلان هویت آمریکایی، با بنیان تاریخی خاصش، درون داستان های فردی زندگی بزرگسالان بسیار مولد، ریخته شده است. آمریکایی ها در حین ساخت داستان های زندگی خود با کلان روایت های رستگاری بخش در ارتباطند؛ یعنی روایتی جمعی که بر رهایی فردی تاکید می کند. مک آدامز کلان روایت رستگاری آمریکایی را به عنوان "نجات و رهایی از اذیت و آزار به دنیایی بهتر" تعریف می کند (۲۱). توالی رستگاری (Redemptive sequence) یک شکل یا راهبردی خاص از روایت است که در برخی از گزارشات روایی صحنه های بارز در داستان های زندگی افراد پدیدار می شود. در توالی رستگاری یک رویداد آشکارا بد و یا حالت هیجانی و یا شرایط منفی به پایان و رویدادی خوب یا نتیجه ی هیجانی مثبت بدل

می شود. طرح داستان از ظرفیت و ارزشی منفی به مثبت حرکت می کند و بد منجر به خوشی می گردد. از این روی، حالت منفی نخستین با خوبی و خوشی پایانی بازیابی می گردد (۱). مک آدامز و همکارانش در تحقیقی بدنبال کند و کاو سازه روان اجتماعی مولد بودن (Generativity) مطرح شده توسط اریکسون برآمدند. سؤال اصلی تحقیق عبارت بود از اینکه: بزرگسالان بسیار مولد چه داستانهایی برای معنا دادن و حمایت از تلاشهای مولدشان می سازند؟ نتایج بدست آمده، حاکی از نمونه ای اولیه از روایت زندگی رایجی بود که توسط بزرگسالان بسیار مولد روایت می شد و مک آدامز (۲۱) آن را خود رستگاری بخش (Redemptive self) نامید. در حقیقت خود رستگاری بخش همان تجربه روایات رستگاری بخش است. نکته کلیدی در توالی رستگاری بخش معنایی است که حکایت کننده از واقعه منفی کسب می کند (به جای آن چیزی که بیان می کند و اتفاق افتاده است). توالی های رستگاری بخش وقایع حقیقی نیستند که در زندگی مردم رخ داده باشد بلکه مردم به جای گفتن داستان درباره خود، از راهبردی حکایی برای ساخت خود استفاده می کنند (۲۲). همانگونه که بیان گردید افرادی که بسیار مولدند، دارای روایت های زندگی هستند که تم های رستگاری بخش (Redemptive themes) را نشان می دهد. بر اساس تحقیقی که توسط مک آدامز و دیگران (۲۳) انجام پذیرفت، نتایج زیر حاصل گردید: ۱- مولد بودن به طور مثبت در ارتباط با بهزیستی روانشناختی (Well being) است. ۲- مولد بودن در روایت های زندگی به افزایش مراتب بالایی از اعتماد به نفس کمک می کند. ۳- بزرگسالانی که بسیار مولدند، نسبت به بزرگسالانی که کمتر



مولدند، افسردگی پایینی دارند؛ رضایت بیشتری از زندگی دارند و همدلی و همبستگی بیشتری را در زندگی نشان می‌دهند. ۴- مولد بودن به طور معنا داری در ارتباط با استقلال فردی است. ۵- مولد بودن ارتباط مستقیم با خود گزارشی رضایت زندگی، اعتماد به نفس و احساس همبستگی و همدلی و ارتباط منفی با افسردگی دارد. پیامی که این مطالعه دارد این است که زمانی که مردم معنای مثبتی را در میان سختی‌ها می‌یابند تمایل بیشتری دارند که تطابق بهتر و سلامتی بیشتری از خود نشان دهند.

مک آدامز برای کشف خود رستگاری بخش از مصاحبه‌ای (پرسشنامه ای) تحت عنوان "مصاحبه داستان زندگی" بعنوان ابزار سنجش استفاده می‌کند (۱۱). در این مصاحبه از شرکت کنندگان خواسته می‌شود که زندگی خود را مانند کتابی در نظر بگیرند که دارای بخش‌های مختلفی است. سپس از آنها خواسته می‌شود که هشت صحنه خاص را تعریف کنند که شامل: ۱- تجربه اوج (high point)، ۲- تجربه حسیض (low point)، ۳- تجربه عطف (turning point)، ۴- یک صحنه مهم مثبت کودکی، ۵- یک صحنه مهم منفی کودکی، ۶- یک صحنه مهم از بزرگسالی، ۷- یک صحنه خردمندانه (wisdom event)، ۸- یک تجربه مهم مذهبی، معنوی و یا عرفانی، می‌باشد و بدنبال آن نیز سؤالات دیگری با جزییات از شرکت کنندگان پرسیده می‌شود.

ویژگی اصلی تصویر رستگاری بخش (Redemption imagery)، حرکت از وضعیتی آشکارا منفی به سوی وضعیتی آشکارا مثبت در داستان است. وضعیت منفی می‌تواند حالات هیجانی منفی، درد، جراحت، مرضی جسمانی، یا حادثه و

رویدادی منفی باشد. از طرف دیگر حرکت رستگاری بخش خود می‌تواند منجر به نتایجی دیگر شود. مثلاً قدرت فردی یا خودکارآمدی شخصیت اصلی را افزایش دهد (ارتقاء عاملیت)، منجر به غنی‌تر شدن روابط بین فردی وی گردد (ارتقاء ارتباط)، و یا اینکه حرکت رستگاری بخش درک دینی یا معنوی فرد و یا بهزیستی وی را بهبود بخشد (هدف نهایی و غایی).

مولد بودن، دغدغه و تعهد بزرگسالان به ارتقای نسل بعدی از طریق والدگری، آموزش، مربیگری، و تولید محصولات می‌باشد و هدف از آن سودمندی نسل آینده و تقویت رشد و رفاه آن افراد و سیستم‌های اجتماعی است که بیشتر از شخص زندگی می‌کنند. اریکسون (Erikson) این مفهوم را در مدل ۸ مرحله‌ای توسعه انسانی خود به عنوان مرحله هفتم چرخه زندگی، معرفی کرد.

در ارتباط با رابطه بین خود رستگاری بخش و مولد بودن تحقیقات بسیاری توسط مک آدامز و دیگران صورت پذیرفته است که می‌توان به تحقیقات مک آدامز و همچنین مک آدامزو دیگران (۱۸-۱۶، ۱۰، ۴، ۳) اشاره نمود. کلیه تحقیقات صورت پذیرفته به این نتیجه منتهی گشت که بزرگسالانی که روایت‌های زندگی خود را بصورت روایت رستگاری بخش بیان می‌کنند نسبت به سایرینی که روایات خود را بر این اساس بیان نمی‌کنند مولد ترند.

بهزیستی روانشناختی اشاره به رشد همه جانبه افراد در تمام سطوح زندگی دارد. شکوفا ساختن استعدادها و توانایی‌های بالقوه فرد امری ضروری و مهم به شمار می‌رود. ریف (Ryff) معتقد بود در تحقیقات گذشته، نسبت به جنبه‌های مثبت کارکرد روانی غفلت شده و تنها به جنبه‌های منفی آن پرداخته



مولدی را بوجود آورده توانسته است در جامعه ایرانی نیز انسان های مولدی بوجود آورد و رابطه بین مولد بودن و خود رستگاری بخش در مردم ایران چگونه است؟

روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع کیفی-کمی است که از داستان های زندگی که به صورت نوشتاری ارائه می شوند، برای گردآوری داده ها استفاده شده است. روش تحلیل این پژوهش، تحلیل تماتیک به روشی است که مک آدامز ارائه نموده است. جامعه پژوهش شامل افراد ۲۲ سال تا ۶۵ سال دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر بودند که بدلیل پاندمی کرونا از طریق فراخوان در فضای مجازی دعوت شدند. با اینکه فراخوان گسترده بود بدلیل حجم بالای مطالب نوشتاری از سوی شرکت کنندگان تعداد محدودی حاضر به همکاری شده که از بین آن ها ۶۶ نفر به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

در طی چندین جلسه آنلاین با تک تک شرکت کنندگان، ملاک های ورود و خروج از پژوهش تشریح گردید و احراز این ملاک ها در جلسات مذکور از طریق گزارش شرکت کنندگان مشخص شد. ملاک های ورود عبارت بودند از: ۱- همزمان با شرکت در این مطالعه، در مطالعه دیگری شرکت نکنند. ۲- در طی تحقیق در هیچ مشاوره فردی یا گروهی شرکت نکنند. ۳- تحت درمان دارویی روان پزشکی در طی پژوهش قرار نداشته باشند. از افراد شرکت کننده خواسته شد تا فرم رضایت نامه کتبی برای شرکت در پژوهش را تکمیل کنند. ملاک های خروج نیز عبارت بودند از: ۱- عدم رضایت برای شرکت در ادامه تحقیق. ۲- عدم ارائه پرسشنامه ها تا تا ریخ مقرر (۲ هفته). در پژوهش مذکور ۹ نفر از شرکت کنندگان از ادامه شرکت در

شده است جنبه ای که با سلامت روان شناخته می شود که معنای آن نبود بیماری و اختلالات روانی است و بنابر این لازم است که در ادبیاتی تازه جنبه های مثبت بیشتر مد نظر واقع شود و به دنبال آن مفهوم بهزیستی روانشناختی را در حیطه روانشناسی مثبت گرا مطرح کرد. تحقیقاتی که توسط آدلر، اسکالینا و مک آدامز (۱۵) و مک آدامز و دیگران (۱۰) نشان داده که خود رستگاری بخش به طور مثبت و معنادار با بهزیستی روانشناختی رابطه دارد.

بهزیستی روانشناختی، شامل شش مؤلفه مجزا است که عبارتند از: ۱- پذیرش خود؛ قبول جنبه های متفاوت خود و داشتن نگرش مثبت به خود، زندگی و گذشته خویش. ۲- ارتباط مثبت با دیگران؛ توانایی دوست داشتن، روابط گرم و مورد اعتماد با دیگران و توانایی همدلی نشان دادن. ۳- خود مختاری؛ فعالیت و عمل بر اساس معیارهای شخصی و توانایی ایستادگی در برابر فشار اجتماعی. ۴- تسلط بر محیط؛ توانایی خلق یا انتخاب محیط با توجه به شرایط روانی فرد و کنترل فعالیتهای بیرونی. ۵- هدفمند بودن؛ داشتن هدف در زندگی و یافتن معنا در زندگی. ۶- رشد فردی؛ احساس رشد دائمی و تالش برای نشان دادن قابلیتهای وجودی در انسان.

همانگونه که در مطالب فوق توضیح داده شد مطالعات مک آدامز بیشتر در ارتباط با بزرگسالان آمریکایی می باشد (۱). بنابراین، مسئله این پژوهش بررسی تجربه خود رستگاری بخش در فرهنگ ایرانی و اینکه آیا چنین داستانی را می توان در داستان زندگی ایرانیان یافت؟ وهم چنین اگر مردم ایران چنین داستانی را تجربه کرده اند کارکرد آن چگونه است؟ به عبارت دیگر آیا چنین نوع داستان هایی که در جامعه آمریکا افراد



شامل چهار دسته به قرار زیر می باشد: ۱- تصاویر رستگاری
۲- ارتقا عاملیت ۳- ارتقا ارتباط و ۴- هدف نهایی.

کدگذاری ابتدا باید وجود یا عدم وجود تصاویر رستگاری را مشخص کند. اگر صحنه شامل تصاویر رستگاری است، آنگاه نمره مثبت یک را دریافت کرده و کدگذاری پس از آن به دنبال حضور یا عدم حضور سه زیر شاخه دیگر در آن صحنه خاص می باشد و اگر صحنه شامل تصاویر رستگاری نیست، آنگاه نمره صفر دریافت می کند و هیچ امتیاز دیگری برای صحنه ثبت نمی شود و کدگذار به صحنه بعدی حرکت می کند. برای ارتقا عاملیت، امتیاز مثبت یک در نظر گرفته می شود، در صورتی که تغییر از منفی به مثبت در داستان، منجر به یک افزایش قدرت شخصی یا عاملیت شود (عاملیت مانند افزایش اعتماد به نفس، فراهم شدن بینش شخصی و ... می باشد). برای ارتقا ارتباط، امتیاز مثبت یک در نظر گرفته می شود، در صورتی که انتقال از منفی به مثبت در داستان، باعث به وجود آمدن عشق، روابط دوستانه، استحکام خانوادگی و شود. برای هدف نهایی نیز نمره مثبت یک را ثبت می کنیم، در صورتی که تبدیل از منفی به مثبت شامل درگیری قابل توجه با مسائل وجودی اساسی یا هدف نهایی باشد. کدگذار به سادگی نمرات اصلی و سه زیر شاخه را (در صورت وجود) برای هر صحنه محاسبه می کند. بنابراین نمرات برای هر یک صحنه واحد حداقل صفر و حداکثر ۴ است و نمره کل فرد در توالی رستگاری از جمع نمرات همه صحنه ها بدست می آید.

ب- مقیاس مولد بودن لویالا: با توجه به اینکه کارکرد خود رستگاری بخش در مولد بودن شخص خود را به نمایش می گذارد، جهت بررسی کارکرد خود رستگاری بخش از

آزمون انصراف دادند بنابر این با افت آزمودی مواجه بودیم و کار با ۵۷ نفر دیگر تا پایان پژوهش ادامه داشت. لازم به ذکر است پس از برگزاری جلسه توجیهی آنلاین با افراد داوطلب برای شرکت در پژوهش جهت توضیح موضوع پژوهش، از افراد شرکت کننده خواسته شد تا فرم رضایت نامه کتبی برای شرکت در پژوهش را تکمیل کنند.

تحلیل داده های بدست آمده توسط دو کدگذار آموزش دیده بر اساس فرم کدگذاری ارائه شده توسط مک آدامز انجام پذیرفت. تحلیل بصورت تماتیک و برای ۸ صحنه اصلی داستان زندگی انجام پذیرفت و داده های کیفی توسط کدگذاران به داده های کمی تبدیل گردیدند. پایایی نمره کدگذاران ۶۷ درصد بدست آمد که از لحاظ آماری قابل قبول است (۲۴). سپس جهت پاسخ به سوال های پژوهش، داده های کمی اخذ شده با استفاده از فراوانی، میانگین و روش همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS۲۵ تحلیل شدند.

ابزار سنجش در این پژوهش عبارت بودند از:

الف- پرسشنامه داستان زندگی مک آدامز (McAdams Life Story Questionnaire) که جهت سنجش تجربه خود رستگاری بخش از آن استفاده گردید. در کدگذاری این پرسشنامه دو نوع ادبیات در نظر گرفته می شود. اولین ادبیات درک کلی مربوط به حرکت از صحنه های بد به صحنه های خوب داستان ها می باشد که به "تصاویر رستگاری" مربوط است. ادبیات دوم مربوط به پیامدهای مثبت یا رشدی که ممکن است در زندگی یک فرد رخ دهد، می پردازد که شامل سه زیر مجموعه است: "افزایش عاملیت"، "افزایش ارتباط" و "هدف نهایی". بنابراین در مجموع برنامه کدگذاری توالی رستگاری



این تحقیق پس از پس از کسب مجوز اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر با کد اخلاق IR.IAU.KHSH.REC.1400.011 انجام پذیرفت.

یافته ها

میانگین سنی کل شرکت کنندگان در پژوهش ۳۶/۰۹ با انحراف استاندارد ۹/۳۷ و تحصیلات آن ها کارشناسی و کارشناسی ارشد بود. از تعداد کل نفرات ۲۰ نفر مرد (۳۵ درصد) و ۳۷ نفر زن (۶۵ درصد) بوده اند. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

بر اساس نتایج جدول ۱، میانگین تجربه خودرستگاری بخش ۲/۳۶، میانگین کارکرد خودرستگاری بخش ۳۵/۹۲ و میانگین بهزیستی روانشناختی ۸۰/۵۱ است. نمرات بدست آمده از تجربه خودرستگاری بخش از افراد نمونه در جدول ۲ نشان داده شده است.

نتایج نشان می دهد که نمرات افراد بین ۰ تا ۶ بوده است. با توجه به این که ۸ صحنه اصلی زندگی در این پژوهش مورد ملاک قرار گرفت (بدلیل همبستگی بالای نمرات ۸ صحنه با نمرات کلیه سئوالات پرسشنامه ذکر شده در بالا) و نمره هر داستان مربوط به هر صحنه بین ۰ تا ۴ نمره است، می توان گفت که نمرات جمعیت ایرانی در تجربه خود رستگاری بخش پایین است. جدول ۲، نمرات بدست آمده برای خود رستگاری بخش را بر اساس تعداد افراد شرکت کننده در پژوهش نشان می دهد. براساس نتایج این جدول، ۷۲ درصد افراد شرکت کننده در پژوهش نمره ۳ و کمتر اخذ نموده و ۲۸ درصد افراد نمره ۴ و

مقیاس مولد بودن لویالا، که یک مقیاس ۲۰ سوالی خودسنجی است، استفاده گردیده است. سوال ها به شیوه لیکرت در دامنه صفر (هرگز) تا سه (اغلب اوقات) نمره گذاری می شوند و نمره کل این پرسشنامه شاخص مولد بودن افراد است (۲۵). مطالعات انجام پذیرفته توسط مک آدامز و آوین بر روی نمونه های گوناگون نشان دهنده این موضوع است که این مقیاس از روایی و پایایی بالایی برخوردار است (آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۳). همچنین در این پژوهش، تحلیل عامل تأییدی برازش خوبی برای این پرسشنامه نشان داد و پایایی آن نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱ بدست آمد.

ج-مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (Ryff Well-Being Scale): در این پژوهش بمنظور بررسی بهزیستی روانشناختی افراد از مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف، که در پژوهش های انجام شده در کشور بیشتر بکار گرفته شده و روایی و پایایی آن نیز سنجیده شده، استفاده گردیده است. از نظر ریف بهزیستی روانشناختی، شامل شش مؤلفه مجزا است که عبارتند از: ۱- پذیرش خود، ۲- ارتباط مثبت با دیگران، ۳- خود مختاری، ۴- تسلط بر محیط، ۵- هدفمند بودن، ۶- رشد فردی. در مطالعه حاضر از فرم ۱۸ آیتمی به منظور ایجاز استفاده شده است که آلفای کرونباخ ۰/۷۱. برای نمره کل بهزیستی روانشناختی بدست آمده و برای هریک از شش مؤلفه فوق بترتیب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۵۱، ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۷۶، ۰/۵۲ و ۰/۷۳. بدست آمده است. از نتایج بدست آمده به این نتیجه می رسیم که فرم ۱۸ سوالی بهزیستی روانشناختی ابزار مناسبی برای سنجش است (۲۶).



توضیح فوق بدین جهت می باشد که اگر نمره رستگاری بخش را تنها برای تصاویر رستگاری بخش در نظر بگیریم، حد اکثر نمره رستگاری بخش برای ۸ صحنه اصلی برابر ۸ می باشد. در این حالت در صورتی که نمره برش ۴ در نظر گرفته شود آنگاه آن هایی که نمره رستگاری بخش آن ها ۵ تا ۸ است، نمره بالا را اخذ کرده اند و کسانی که نمره رستگاری بخش آن ها صفر تا ۳ می باشد نمره رستگاری بخش آن ها پایین است.

بدین ترتیب حدود ۷۲ درصد شرکت کنندگان در این پژوهش نمرات پایین در خود رستگاری بخش را اخذ نموده و تنها ۱۴ درصد نمرات بالا گرفته اند و ۱۴ درصد بقیه نیز نمره متوسط گرفته اند.

بنابر این تنها درصد کمی از افراد شرکت کننده در پژوهش خود رستگاری بخش را تجربه کرده اند. جدول ۳ میزان تجربه افراد در هر صحنه را به تفکیک نشان می دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد
تجربه خود رستگاری بخش	۲/۳۶	۱/۸۰
کارکرد خود رستگاری بخش	۳۵/۹۲	۷/۹۷
بهزیستی روانشناختی	۸۰/۵۱	۱۱/۲۳

جدول ۲: توزیع فراوانی مربوط به نمرات خود رستگاری بخش در افراد شرکت کننده

نمره رستگاری بخش	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
۰	۹	۱۶/۰۷	۱۶/۰۷
۱	۱۲	۲۱/۲۲	۳۷/۲۹
۲	۱۵	۲۵/۷۸	۶۳/۰۷
۳	۵	۸/۷۰	۷۱/۷۷
۴	۸	۱۴/۲۸	۸۶/۰۵
۵	۳	۵/۲۵	۹۱/۳
۶	۵	۸/۷۰	۱۰۰

بیشتر اخذ کرده اند. در حالت ایده آل هر صحنه رستگاری بخش حد اکثر ۴ نمره می گیرد یعنی حد اکثر نمره رستگاری بخش در حالت ایده آل ۳۲ می باشد. بنابر این مشاهده می گردد که حد اکثر نمره رستگاری بخش که در پژوهش بدست آمده (نمره ۶) فاصله زیادی با حداکثر نمره رستگاری بخش در حالت ایده آل دارد. همان گونه که توضیح داده شد حداکثر نمره گذاری هر صحنه ۴ می باشد. نمره اصلی مربوط به تصویر رستگاری بخش است. اگر نمره تصویر رستگاری بخش ۱ در نظر گرفته شود، آن موقع سایر نمره گذاری ها نیز بررسی می گردد یعنی نمرات مربوط به "ارتقاء عاملیت"، "ارتقاء ارتباط" و "دغدغه نهایی". ولی اگر نمره تصویر رستگاری بخش صفر بود سایر نمره گذاری ها اصلاً بررسی نمی گردد. در اصل مک آدامز سه نمره دیگر را بعنوان جایزه برای نمره تصویر رستگاری بخش در نظر گرفته است.



برای سنجش ارتباط بین نمرات بدست آمده از پرسشنامه داستان زندگی و مقیاس مولد بودن و پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۴ آمده است. نتایج جدول ۴ نشان می دهد رابطه بین تجربه خودرستگاری بخش با کارکرد آن (مولد بودن) و بهزیستی روانشناختی از لحاظ آماری معنی دار است. هم چنین نتایج این جدول بیانگر این است که همبستگی بین کارکرد خودرستگاری بخش و بهزیستی روانشناختی معنادار است ($P < 0/01$).

نتایج درج شده در جدول ۳ که از بررسی ساختار متن پرسشنامه ها بدست آمده نشانگر این است که افرادی که خود رستگاری را از کم تا زیاد تجربه کرده اند (۱ تا ۶) بیشترین میزان را در نقطه عطف (۲۲/۷ درصد) و واقعه خردمندانه (۱۵/۱ درصد) تجربه کرده اند و کمترین میزان را در خاطرات مثبت و منفی کودکی (بترتیب ۶/۸ و ۷/۶ درصد) تجربه کرده اند. هم چنین جهت بررسی رابطه تجربه خود رستگاری بخش و کارکرد آن و بهزیستی روانشناختی، از روش همبستگی پیرسون

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصد فراوانی افراد در تجربه خود رستگاری بخش در هر یک از صحنه ها

صحنه	فراوانی	درصد
نقطه اوج	۱۹	۱۴/۴
نقطه حسیض	۱۳	۹/۸
نقطه عطف	۳۰	۲۲/۷
خاطره مثبت کودکی	۹	۶/۸
خاطره منفی کودکی	۱۰	۷/۶
خاطره زنده بزرگسالی	۱۲	۹/۱
واقعه خردمندانه	۲۰	۱۵/۱
تجربه مذهبی، معنوی یا عرفانی	۱۹	۱۴/۴

جدول ۴: ماتریس همبستگی تجربه خود رستگاری بخش، کارکرد خود رستگاری بخش (مولد بودن) و بهزیستی روانشناختی

متغیرهای پژوهش	تجربه خود رستگاری بخش	کارکرد خودرستگاری بخش (مولد بودن)	بهزیستی روانشناختی
تجربه خودرستگاری بخش	۱		
کارکرد خودرستگاری بخش (مولد بودن)	۰/۷۱**	۱	
بهزیستی روانشناختی	۰/۴۵**	۰/۵۱**	۱



بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی تجربه روایات رستگاری بخش (خود رستگاری بخش)، کارکرد خود رستگاری بخش (مولد بودن) و نقش آن بر بهزیستی روانشناختی در بزرگسالان جامعه ایران بود. همان گونه که در بخش های گذشته نیز به تشریح بیان گردید تحقیقات در زمینه روایات رستگاری بخش بیش از دو دهه است که آغاز گردیده و این تحقیقات عمدتاً در جامعه آمریکا صورت پذیرفته است. در جامعه ایران تاکنون تحقیقات بسیار اندکی در این حیطه انجام گرفته است. هم چنین در این رابطه که آیا مردم جامعه ایران روایات خود را به صورت رستگاری بخش بیان می کنند (تجربه خود رستگاری بخش) و این که کاربرد آن (مولد بودن) در جامعه چگونه بوده است و در نهایت نقش این دو متغیر (خود رستگاری بخش و مولد بودن) بر بهزیستی روانشناختی بزرگسالان ایرانی هیچگونه تحقیقی تاکنون صورت نپذیرفته است.

بر این اساس سوال اول این پژوهش این بود که آیا مردم جامعه ایران روایات زندگی شان را بصورت رستگاری بخش بیان می کنند به عبارت دیگر آن ها خود رستگاری بخش را تجربه کرده اند؟ و سوال دوم اینکه کارکرد خود رستگاری بخش در بزرگسالان ایرانی چیست؟ عبارت دیگر همانگونه که در تحقیقات انجام شده توسط مک آدامز و همکارانش در مورد بزرگسالان آمریکایی، این نتیجه گیری حاصل شد که اغلب کسانی که نمره بالایی در مولد بودن کسب کرده اند روایات های خود را به صورت رستگاری بخش بیان کرده اند (تجربه خود رستگاری بخش) در سوال دوم ما نیز به دنبال این بودیم

که آیا رابطه معناداری بین تجربه خود رستگاری بخش و مولد بودن در مردم جامعه ایران نیز وجود داشت؟ و در نهایت سوال سوم این پژوهش این بود که رابطه بین تجربه خود رستگاری بخش و کارکرد خود رستگاری بخش (مولد بودن) با بهزیستی روانشناختی مردم ایران چگونه است؟

نکته قابل تامل در این پژوهش این بود که با توجه به اینکه بدلیل محدودیت های ناشی از پاندمی کرونا در زمان پژوهش به جای مصاحبه داستان زندگی از پرسشنامه باز پایان استفاده گردید، بر اساس بررسی ساختار نوشتاری پرسشنامه ها افرادی که نمرات بالاتری در خود رستگاری بخش در این پژوهش کسب کردند نسبت به افرادی که نمرات کمتری کسب کردند، صحنه هایی را که در پرسشنامه از آن ها پرسیده شده به طور مفصل و با جزییات بیشتر شرح دادند این در حالی بود که افرادی که نمره کمتری کسب کردند عمدتاً به سؤالات بصورت خلاصه و در حد چند سطر پاسخ دادند.

با توجه به یافته های بدست آمده که نشان داد درصد بالایی از افراد شرکت کننده در پژوهش روایت های خود را بصورت رستگاری بخش بیان نکردند عبارت دیگر خود رستگاری بخش را تجربه نکردند، این سؤال مطرح است که چرا این درصد در جامعه آماری ما و بالطبع در کل جامعه ایران اندک است؟ این موضوع می تواند دلایل متفاوتی داشته باشد، که بنظر می آید یکی از عمده ترین دلایل ساختار فرهنگی جامعه ایران است. جامعه ایران بدلیل عدم ثبات در دوره های گوناگون که اکثراً در اثر حمله اقوام مختلف به کشور صورت پذیرفته و باعث بوجود آمدن تغییرات متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در نهایت فرهنگی شده است، هیچگاه جامعه ای نبوده است که



اهداف بلند مدتی را برای خود در نظر بگیرد چون هر هدف بلند مدت با تغییرات ساختار سیاسی و اجتماعی عملاً به نتیجه نمی‌رسد. بر این اساس در جامعه ایران طی قرن‌ها این تفکر نهادینه شده که افراد به دنبال اهداف کوتاه مدتی باشند که در کمترین زمان بیشترین بازده را داشته باشد (۲۷). بنابر این افراد این جامعه دغدغه بجا گذاشتن میراثی برای نسل آینده را نداشته است (بر اساس تعریف اریکسون از مولد بودن) و بنابراین چنین جامعه‌ای، جامعه مولدی نیست.

علی‌الخصوص در این بازه زمانی پژوهش که شاید تنها دغدغه آحاد اجتماع بدلیل معضلات اقتصادی تامین نیازهای اولیه مربوط به تامین خوراک، پوشاک و سرپناهی برای زندگی است (قاعده هرم مازلو) مولد بودن جزء دغدغه‌های اساسی نبوده و بالطبع داستان‌های افراد در تم رستگاری بخش تعریف نمی‌شود. در تحقیقاتی که توسط هاماک (۱۴) و مک آدامز (۱) انجام گردیده آن‌ها توضیح دادند که چگونه روایات فرهنگی در رابطه با تاریخ ملی، قومیت، دین و سیاست شکل دهنده داستان‌های شخصی است که می‌تواند حفظ کننده یا انتقال دهنده فرهنگ باشد.

در مطالعه‌ای که بر روی جوانان اسرائیلی و جوانان فلسطینی انجام گردید، هاماک (۱۴) به این نتیجه رسید که هر دو گروه در روایات شخصی خود از زندگی‌شان روایات اصلی فرهنگی را وارد کردند که نتیجه آن تسلط داستان‌های رستگاری بخش برای جوانان اسرائیلی و تسلط داستان‌های آلوده کننده (Contamination)، یعنی داستان‌هایی که در آن یک اتفاق خوب منجر به نتایج بدی می‌شود، به طوری که نتایج بد

بدست آمده آن اتفاق خوب را هم کاملاً تحت تاثیر خود قرار می‌دهد، برای جوانان فلسطینی است. بنابراین بنظر می‌رسد که فرهنگ‌های متفاوت شامل پیشنهاد‌های متفاوتی از تصاویر، تم‌ها و پلات‌ها برای ساخت هویت‌های روایی هستند و افراد در داخل این محدوده‌های فرهنگی مسلط، داستان‌های خود را بیان می‌کنند. بنابر این داستان‌های افراد مورد پژوهش ما نیز در بستر فرهنگی جامعه، که قبلاً شرح مختصری از آن بیان گردید، شکل گرفته است.

سوال دوم پژوهش مبنی بر "کارکرد خود رستگاری بخش" که نتیجه آن در مولد بودن ظاهر می‌گردد، از طریق همبستگی بین نمرات تجربه خود رستگاری بخش در ۸ صحنه اصلی پرسشنامه مک آدامز و نمرات مولد بودن، بررسی شد. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد بین نمرات خود رستگاری بخش و نمره مولد بودن همبستگی معنا دار، مثبت و بالایی وجود دارد. عبارت دیگر، افراد شرکت کننده در این پژوهش که داستان‌های خود را در تمی نزدیکتر به تم رستگاری بخش تعریف کرده‌اند، نسبت به افرادی که داستان‌های خود را در تم رستگاری بخش تعریف نکرده‌اند، نمرات بالاتری را نیز در مقیاس مولد بودن بدست آوردند.

یافته‌هایی که از رابطه تجربه خود رستگاری بخش با کارکرد خود رستگاری بخش (مولد بودن) در این تحقیق بدست آمده همسو بود با یافته‌های بدست آمده از تحقیقات صورت پذیرفته توسط مک آدامز (۲۱، ۱۷، ۶)، مک آدامز و دیگران (۱۰) و مک آدامز و آوبین (۲۵) که همه در این راستا هستند که بزرگسالانی که روایت‌های زندگی خود را بصورت روایت رستگاری بخش



خود رستگاری بخش و کارکرد خود رستگاری بخش (مولد بودن ارتباط دارد) (۱۵، ۱۰).

با این وجود نمرات بدست آمده از بهزیستی روانشناختی افراد شرکت کننده در پژوهش نیز در مقیاس پایین بود که این نتیجه با توجه به همبستگی مثبت و بالای بین تجربه خود رستگاری بخش و کارکرد خود رستگاری بخش (مولد بودن) با بهزیستی روان شناختی، قابل پیش بینی بود.

در باب محدودیت های این پژوهش می توان به این نکته اشاره نمود که به علت پاندمی کرونا به جای مصاحبه از پرسشنامه (باز پایان) استفاده گردید که این موضوع باعث شد زمان زیادی برای پاسخ به سئوالات از طرف هر شرکت کننده صرف گردد و بنابراین باعث خلاصه گویی در افراد شرکت کننده در پژوهش تا حدی گردید.

البته پرسشنامه داستان زندگی در مطالعات دیگر نیز استفاده شده است و مورد تایید قرار گرفته است (۱۰). از دیگر محدودیت های این پژوهش این بود که با توجه به اینکه جامعه پژوهش افراد ۲۲ تا ۶۵ سال دارای تحصیلات دانشگاهی بودند نتایج حاصل از تحقیق تعمیم پذیر برای کل افراد جامعه نمی باشند.

با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش، سئوالاتی که می تواند موضوعاتی برای تحقیقات بعدی باشد از این قرار است: آیا می توان با مداخلاتی افراد را به این سمت و سو برد که داستان های خود را در تم رستگاری بخش تعریف کنند؟ و یا اینکه با توجه به اینکه داستانهای زندگی افراد درونی شده، بهیچ وجه قابل تغییر نیست؟ و اینکه در صورتی که پاسخ به سئوال دوم مثبت باشد، آیا می توان در سنین کودکی با روش های خاص فرزند پروری

بیان می کنند (خود رستگاری بخش را تجربه می کنند) نسبت به سایرینی که روایات خود را بر این اساس بیان نمی کنند، مولد ترند.

با توجه به همبستگی معنادار و مثبت بین تجربه خود رستگاری بخش و کارکرد خود رستگاری بخش (مولد بودن) و با توجه به میانگین مولد بودن در افراد شرکت کننده و نمرات تجربه خود رستگاری بخش، می توان بیان کرد که نمره مولد بودن در نمونه پژوهش پائین بوده و این افراد که نمونه ای از جامعه آماری ایران هستند نمرات بالایی در مولد بودن کسب ننموده اند. بر اساس توضیحاتی که در رابطه با ساختار تاریخی ایران بیان گردید که این ساختار در مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متجلی میگردد و با توجه به تعریف اریکسون (۲۸) که مولد بودن را به صورت زیر تعریف می کند: "مولد بودن دغدغه ای مربوط به بزرگسالی است که جهت گیری آن بسمت ارتقاء بهزیستی روانی نسل آینده است. این ارتقاء از طریق والدگری، آموزش، راهنمایی، رهبری و سایر تلاش هایی است که از طریق یک فرد صورت می گیرد تا آن شخص میراث مثبتی از خود در آینده بجا گذارد." پائین بودن نمره مولد بودن در جامعه ایران را توجیه پذیر می کند.

در پاسخ به سئوال سوم پژوهش یافته های حاصله نشان داد که بین تجربه خود رستگاری بخش و کارکرد خود رستگاری بخش (مولد بودن) با بهزیستی روان شناختی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

این یافته ها با یافته های حاصل از پژوهش های قبل، همسو بود. بهزیستی روانشناختی بصورت مثبت و معنی دار با تجربه



تشکر و قدردانی

و یا آموزش داستان هایی با تم رستگاری بخش را برای کودکان

برخود لازم می دانم که از کلیه شرکت کنندگان عزیزی که در

درونی کرد تا افراد مولدتری را در جامعه تولید نمود؟

این تحقیق شرکت نمودند کمال قدردانی و سپاسگزاری خود را

تضاد منافع

بجا آورم.

این مطالعه فاقد تضاد منافع می باشد.

References

- 1-McAdams DP. The redemptive self: Stories Americans live by-revised and expanded edition. Oxford University Press. 2013.
- 2-Najibzadeh A, Eskandari H. Narrative analysis: New methods in narrative data analysis. Quarterly of Educational Measurement. 2018; 8(30):107-33.
- 3- McAdams DP. The psychology of life stories. Review of general psychology. 2001; 5(2):100-22.
- 4-McAdams DP. Exploring psychological themes through life-narrative accounts. Varieties of narrative analysis. 2012:15-32.
- 5-Conway MA, Pleydell-Pearce CW. The construction of autobiographical memories in the self-memory system. Psychological review. 2000; 107(2):261.
- 6-Thomsen DK, Berntsen D. The cultural life script and life story chapters contribute to the reminiscence bump. Memory. 2008; 1; 16(4):420-35.
- 7- Fivush R, Haden CA, editors. Autobiographical memory and the construction of a narrative self: Developmental and cultural perspectives. Psychology Press; 2003.
- 8-Habermas T, Bluck S. Getting a life: the emergence of the life story in adolescence. Psychological bulletin. 2000; 126(5):748.
- 9- Bauer JJ, McAdams DP, Sakaeda AR. Interpreting the good life: growth memories in the lives of mature, happy people. Journal of personality and social psychology. 2005; 88(1):203.
- 10-McAdams DP, Anyidoho NA, Brown C, Huang YT, Kaplan B, Machado MA. Traits and stories: Links between dispositional and narrative features of personality. Journal of personality. 2004; 72(4):761-84.
- 11-McAdams DP. Personal Narratives and the Life Story. Handbook of Personality: Theory and Research. 2008; 5:242.
- 12-McAdams DP, Manczak E. Personality and the life story. InAPA handbook of personality and social psychology: Personality processes and individual differences.2015;4:425-46.



- 13-McLean KC, Pasupathi M, Pals JL. Selves creating stories creating selves: A process model of self-development. *Personality and social psychology review*. 2007; 11(3):262-78.
- 14-Hammack PL. Narrative and the cultural psychology of identity. *Personality and social psychology review*. 2008; 12(3):222-47.
- 15-Adler JM, Skalina LM, McAdams DP. The narrative reconstruction of psychotherapy and psychological health. *Psychotherapy research*. 2008; 18(6):719-34.
- 16- Lieblich AE, McAdams DP, Josselson RE. *Healing plots: The narrative basis of psychotherapy*. American Psychological Association; 2004.
- 17-McAdams DP & McLean, K.C. Narrative identity. *Current Directions in Psychological Science*. 2013;22 (3); 233-8.
- 18-Syed M. Theoretical and methodological contributions of narrative psychology to ethnic identity research; 2015.
- 19-Bamberg M. We are young, responsible, and male. *Human development*.2004;47(6): 331-53.
- 20-McLean KC, Syed M. Personal, master, and alternative narratives: An integrative framework for understanding identity development in context. *Human Development*. 2015; 58(6):318-49.
- 21- McAdams DP. The redemptive self: Generativity and the stories Americans live by. *Research in human development*. 2006; 3(2-3):81-100.
- 22-McAdams DP, Bowman PJ. Narrating life's turning points: Redemption and contamination: Narrative studies of lives in transition. In *Turns in the road: Narrative studies of lives in transition* 2001. American Psychological Association Press.
- 23-McAdams DP, Reynolds J, Lewis M, Patten AH, Bowman PJ. When bad things turn good and good things turn bad: Sequences of redemption and contamination in life narrative and their relation to psychosocial adaptation in midlife adults and in students. *Personality and social psychology bulletin*. 2001; 27(4):474-85.
- 24-Delavar A. *Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences*. Tehran: Roshd Publication. 2015.
- 25- McAdams DP, de St Aubin ED. A theory of generativity and its assessment through self-report, behavioral acts, and narrative themes in autobiography. *Journal of personality and social psychology*.1992; 62(6):1003.



- 26- Ryff CD. Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of personality and social psychology*.1989; 57(6):1069.
- 27- Vosoughi M, Aram H, Salmani G. The Investigation of Structural Obstacles for Emergence and Improving Cultural Development in Iran; Challenges and Strategies. *Journal of Iranian Social Development Studies*. 2012; 4(3):81-96.
- 28- Erikson EH. *Childhood and society*. WW Norton & Company.1993.